

جهان‌های ممکن پیش‌اروی نسل‌ها! آینده

مسئله‌های محور

پای صحبت غلامرضا خیری،
دبیر بازنشسته آموزش و پرورش ایلام

هر استان با توجه به بافت فرهنگی خود می‌تواند برنامه‌ریزی کند. مطالب آموزشی که در مرکز تبیین می‌شود در تمام اقلیم ایران به یک شکل اجرا می‌شود، درحالی‌که باید تفاوت‌های فرهنگی، مسائل قومی و قبیله‌ای و حتی خانوادگی هر استان در نظر گرفته شود. نظام آموزشی ما خیلی متمرکز است.

○ این موضوع در آموزش و پرورش دانش‌آموزان چه اثری داشته است؟

● همان‌طور که گفتیم، خانواده‌هایی که با مسائل تربیتی آشنایی دارند، مشکلی ندارند. آن‌هایی که کمتر آشنایی دارند یا در خانواده‌هایی والدین بی‌سوادند، مشکل وجود دارد.

○ پس مشکل روی متمرکز بودن یا نبودن آموزش و پرورش نیست، مشکل سطح آگاهی خانواده است.

● چرا موضوع تمرکز هم مؤثر است. در نظام آموزشی متمرکز نقاط کور وجود دارد که همان‌ها مشکل در برنامه‌ریزی ایجاد می‌کنند.

○ به نظر شما در انتقال هنجارها، ارزش‌ها، میراث اجتماعی و فرهنگ، خانواده در ایلام چه نقشی دارد؟

● نقش خانواده بسیار مهم است. شخصیت کودک در خانواده شکل می‌گیرد و در مدرسه تکمیل می‌شود. آموزه‌های فرهنگی دانش‌آموزان ما، نشئت گرفته از خانواده است.

○ منظور تان از نظر ژنتیکی است یا تربیتی و آموزشی؟

● هر دو مؤثرند. مسائل حافظه و آی‌کیو مطرح هستند که خوب نشئت گرفته از ژنتیک‌اند. مسائل محیطی و فرهنگی هم تأثیر می‌گذارند. باید دید نوع فرهنگ خانواده و نقش والدین چیست. اگر بین محیط خانواده و مدرسه دوگانگی به‌وجود بیاید، والدین باید بتوانند برای رفع این دوگانگی راه‌حل پیدا کنند.

اشاره

خانواده‌ها بی‌تردید در آموزش و پرورش نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. تجربیات کارشناسان و دبیران آموزش و پرورش در این زمینه بسیار راه‌گشاست در فرصتی که به دست آوردیم به سراغ غلامرضا قدم‌خیری، دبیر بازنشسته ایلامی رفتیم او که از عنوان بازنشسته دل خوشی نداشت، سرشار از تجربیات شیرین و تلخ آموزشی و پرورشی بود. با او به گفت‌وگو نشستیم و از دغدغه‌های فراوانش گفت و گفت و گفت...

○ در مورد نقش خانواده در انتقال فرهنگ در استان ایلام و مشکلاتی که امروز در نظام آموزشی با آن مواجه هستیم، نظرتان را بفرمایید.

● اولین کانونی که بچه‌ها در آن تربیت می‌شوند، خانواده است که نقش بسیار مهمی در تربیت دانش‌آموزان دارد. کودک در سن سه‌چهار سالگی با هم‌سالانش برخورد می‌کند و بعد با محیط جدیدی به نام مدرسه آشنا می‌شود. خانواده و مدرسه لازم و ملزوم هم هستند. یعنی اگر خانواده کودک را درست تربیت کند، مدرسه هم نقشش را درست ایفا می‌کند.

در استان ایلام، با توجه به بافت فرهنگی که دارد، ممکن است آن‌هایی که فرهنگی و باسواد هستند و در بحث مسائل تربیتی تجربه دارند، در تربیت فرزندان با موفقیت عمل کنند. اما در خانواده‌هایی که به اصطلاح با مسائل تربیتی کمتر آشنایی دارند و در همان بافت فرهنگی خود عمل می‌کنند، ممکن است بین مدرسه و خانواده ناهماهنگی به‌وجود آید و باید هماهنگی را به‌وجود آورد.

یکی دیگر از مشکلاتی که در آموزش و پرورش می‌بینیم بحث تمرکز است. در حال حاضر آموزش و پرورش متمرکز است، درحالی‌که

اول باید معلم به خوبی تربیت شود. معلم آگاه می‌داند چگونه بین کسی که از نظر مالی قوی است با آن که ضعیف است، هماهنگی ایجاد کند. خیلی اوقات موجب می‌شود که به دلیل هماهنگی، این دو با هم رفیق شوند

البته جایگاه آموزش و پرورش اول پرورش است بعد آموزش، اما پرورش زیرساخت‌هایی نیاز دارد. علاوه بر این، معلم وقتی به کلاس می‌رود با شخصیت‌ها و استعداد‌های متفاوتی روبرو می‌شود و باید خودش را با همه این‌ها هماهنگ کند. خوب این کار خیلی سخت است. هماهنگی با سی‌چهل دانش‌آموز کار راحتی نیست. یکی با استعداد است یکی بی‌استعداد، یکی در خانواده مرفه تربیت شده است و دیگری در خانواده‌ای ضعیف. به این ترتیب، دوگانگی‌هایی به وجود می‌آید که ممکن است روی شخص ضعیف تأثیر منفی بگذارد. معلم باید طوری آموزش ببیند که بتواند بین دانش‌آموزان در کلاس و در سطح خانواده هماهنگی به وجود آورد.

○ با توجه به تجربه خود در امر آموزش می‌دانید که در کلاس و مدرسه، دانش‌آموزانی از هر تیپ فکری، اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی حضور دارند و به قول معروف آموزش پنهان و تربیت پنهان هم در مدارس نقش گذارند از طرفی همه آن تیپ‌های یادشده هم به آموزش و پرورش نیازمندند. همه خانواده‌ها توقع آموزش و پرورش خوب و مناسب را دارند. در این جا نقش آموزش و پرورش چیست؟ خصوصاً در استان ایلام؟

● نقش معلم در این زمینه بسیار مؤثر است. در کنار آن، پشتیبانی مسئولان و برنامه‌ریزی از طرف افرادی که در مسائل تربیتی خبره‌اند، بحث آموزش معلمان، توان و آگاهی معلمان در مسائل روان‌شناسی و مسائل تعلیم و تربیت دینی خیلی اهمیت دارد. در واقع اول باید معلم به خوبی تربیت شود. معلم آگاه می‌داند چگونه بین کسی که از نظر مالی قوی است با آن که ضعیف است، هماهنگی ایجاد کند. خیلی اوقات موجب می‌شود که به دلیل هماهنگی، این دو با هم رفیق شوند.

○ در دوره‌ای که بازنشسته نبودید و فعالیت آموزشی داشتید، جامعه ایلام را در این رابطه چگونه دیدید؟

● من نقش اولیا را کم‌رنگ دیدم. مسائل زیادی هم وجود داشتند که تأثیرگذار بودند.

○ ممکن است چند نمونه از این مسائل را بفرمایید تا بیشتر آشنا شویم؟

● مصداق‌هایش، مشغله کاری و نوع شغل والدین، تعداد زیاد فرزندان، مسائل اقتصادی و مسئله اعتماد خانواده به مدرسه بود.

○ خانواده‌ها به مدرسه اعتماد دارند یا ندارند؟

● اعتماد دارند که می‌گویند بچه ما به محیطی می‌رود که سروکارش با مسائل دینی و مذهبی است و بیشترین آموزش را در آن جا می‌بینند. در حالی که مدرسه نقش کمی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز دارد. من این موضوع را تجربه کرده‌ام. گاهی اولیای دانش‌آموزان ایراد می‌گرفتند که: خوب پس شما معلم چه بودید؟! به فرزندشان می‌گفتند: مگر معلم نداشتید؟ مگر مدرسه نمی‌روید؟ مدرسه برای شما چه کار کرده؟ یعنی انتظار تربیتی زیادی از مدرسه در استان وجود دارد.

○ به نظر شما این انتظار بدی است؟

● ببینید، بعضی جاها این انتظار بجاست، بعضی جاها هم به دلیل وجود رسانه‌ها، ماهواره و مسائلی که خودتان بهتر می‌دانید، اگر خانواده بخواهد خودش را کنار بکشد، ممکن است دانش‌آموز به دام بیفتد. دانش‌آموز چهار تا پنج ساعت با مدرسه سروکار دارد و بقیه لحظه‌های زندگی‌اش در خانواده می‌گذرد. والدین انتظار دارند که همه مسائل حل شود، اما کی حل کند؟! آن‌ها انتظار دارند مدرسه همه مسائل را حل کند.

درواقع این یکی از مزایای کلاس محوری است که در آموزش و پرورش اتفاق می افتد. دانش آموز محوری هم یعنی این که دانش آموزان خودشان کنترل کنند و خود یادگیرنده و خود راهبر باشند و معلم هم به عنوان راهنما عمل کند.

○ با توجه به تجاربی که دارید، تأثیر در آمد خانواده را بر تحصیل دانش آموزان در ایلام چه قدر می دانید؟

● خیلی مهم است. من تجربه های تلخ و شیرین در دوران خدمت زیاد داشته ام. گاهی پیش آمده که دانش آموز مداد مناسب نداشته یا دفتر و یا پول کافی برای خرید کتاب نداشته است و ما از بعضی منابع و نهایتاً کمک خود معلمان، برای این ها خرید کرده ایم. خب این دانش آموز نگاه می کند به آن دانش آموزی که سر و وضع مناسبی دارد و هر چه پول از او می خواهند، می دهد. اما این دانش آموز برای هزار تومان بیمه، باید از معلم چهار پنج بار تذکر بشنود و شخصیتش خورد می شود. این جور مشکلات در جامعه ما وجود دارند. نقش اقتصاد خیلی مهم است تا رشد مالی نداشته باشیم، نمی توانیم مسائل فرعی را پیش ببریم تا امکانات نباشد، شما نمی توانید برنامه ریزی کنید

به نظر من باید شیوه آموزش را تغییر داد. چه قدر برنامه های خشک و بی روح، و چه قدر درس های سر کلاس و سر و کار نداشتن با طبیعت؟! ما می توانیم خیلی از نکات مهم تربیتی و آموزشی را در اردوها و در بازی ها به دانش آموز انتقال دهیم. بحث مشارکت دانش آموزان و بحث مسائل آموزشی به روز اصلاً مطرح نیست. شما توی کلاس نشستن و درباره سنگ ها صحبت کردن را با یاد دادن در مورد سنگ ها در طبیعت مقایسه کنید. خیلی از این درس ها را می توان در طبیعت، در اردوها و آزمایشگاه ها آموزش داد. و نیازی هم به هزینه از طرف خانواده ها ندارد.

○ به عنوان یک بازنشسته آموزش و پرورش، دغدغه های پتان را در این حوزه بفرمایید؟

● عدم ثبات مدیریت. از کلان تا خرد، عدم اجرای سیستم غیرمتمرکز در آموزش و پرورش، به خصوص در ایلام، بحث مسائل اقتصادی معلمان، و عموم استفاده از تجربیات بازنشستگان. من به کلمه بازنشستگی کمی حساس هستم، چون بازنشسته یعنی دیگر رفت و تمام شد. این ها دغدغه های من هستند. متأسفانه در استخدام نیروهای تجربی و کاردان انتخاب نمی شوند. مثلاً سال گذشته ما آزمون داشتیم که می باید در خود منطقه اجرا می شد. این آزمون خیلی بهتر از آزمون متمرکز بود. وزیر محترم آمد این آزمون را متمرکز برگزار کرد.

در حالی که این اتفاق در استان ما نباید می افتاد، چون مشکلاتی را برای مدیرکل ما به وجود آورد. بافت این جا بیشتر قبیله ای و آشنابازی است. افراد ضعیف پذیرفته و افراد قوی مردود شدند. یعنی به این روش، نیروهای خوب و مستعد متأسفانه مورد استفاده قرار نمی گیرند. اگر آزمون ها، گزینش ها و جذب نیرو در استان انجام شوند

و به کمک تجربیات بفهمند افراد چه مقدار بار علمی و کاری دارند، مسلماً کارها بهتر پیش می روند.

○ شما این موارد را ناشی از عدم استفاده از تجربه افراد می دانید؟

● بله، تجربه و استعداد واقعاً وجود دارد. یکی از اشتباهات، برگزاری آزمون استخدامی متمرکز است. ببینید بزرگوار، ما دیگر بازنشسته شده و رفته ایم. سر برج می رویم بانک و حقوقمان را می گیریم. متأسفانه آموزش و پرورش برنامه ای برای بازنشسته ها ندارد و از تجربیات هیچ گونه استفاده ای نمی کند. بنده ۲۵ تا ۳۰ سال خدمت کرده ام. نقاط کور آموزشی را من و امثال بنده خوب می دانیم، ولی هیچ کمیته و گروهی وجود ندارد که از ما استفاده کند. فقط یک مرکز بازنشستگی در استان وجود دارد که مربوط به کارهای اداری است. امثال بنده، در طول ۳۰ سال سابقه کاری ۳۰ مدرسه را تجربه کرده ایم و با ده پانزده مدیر کار کرده ایم. با شخصیت های مختلف معلمان سروکار داشته ایم. برای برنامه ریزی ها تجربه های خیلی بیشتری داریم.

ما از نظر مالی توقعی نداریم و آموزش و پرورش می تواند از نظرات کاربردی ما استفاده کند. طرح کاد را چون سیستم قدیم جواب گو نبود، مطرح کردند. بعد این طرح با شکست مواجه شد. باید ببینید نیاز دانش آموزان ما در آینده چیست و آن را برآورده کنند. این جاست که اگر از تجربیات استفاده شود، مناسب تر است.

○ تعریف شما از رابطه دفاع مقدس، آموزش و پرورش، دانش آموز، و خانواده در ایلام چیست؟

● به قول حضرت امام، دانشگاه ما جبهه و جنگ و دفاع مقدس بود. ما هر چه داریم از دفاع مقدس داریم. به نظر من اگر رشد اقتصادی، رشد نظامی، رشد فرهنگی، و رشد علمی داریم، همه نشئت گرفته از دفاع مقدس است. ما تحریم ها را پشت سر گذاشتیم. با توجه به همه تحریم ها، پیشرفت های بزرگ و چشم گیری در عرصه های گوناگون داشته ایم که هنگی به برکت دفاع مقدس است، دفاع مقدس نقش بسیار کلیدی در پیشرفت ما داشته و دارد.

مردم ایلام در میان آتش دشمن به سر می بردند. روزی نبود که بمب و موشک و صدای انفجار در ایلام وجود نداشته باشد. اما دفاع مقدس فرهنگ ما را شکل داد. اگر دفاع مقدس نبود از لحاظ فرهنگی خیلی زود شکست می خوردیم. اگر این پشتوانه محکم و آن تربیت های جبهه و جنگ نبود، ما خیلی زود شکست می خوردیم.

○ و صحبت های پایانی شما؟

● انتظار دارم بیشتر به آموزش و پرورش توجه شود. بچه های ما سرمایه های این مملکت هستند. آموزش و پرورش همیشه باید مورد توجه باشد؛ چه از نظر مسائل آموزشی و چه از نظر مالی. همه امکانات باید فراهم شود تا آموزش و پرورش خوبی داشته باشیم. زمانی امکانات به سمت جبهه ها می رفت، امروز باید به بحث مقابله با فرهنگ دشمن توجه شود. باید آموزش و پرورش را قوی، پویا و متحول کنیم. باید از تجربیات استفاده شود تا بچه ها واکسینه شوند.